

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ست فریس
برگردان: م. قربانی
۲۴ نومبر ۲۰۲۴

چرا برخی از کلیساهای امریکا برای صلح دعا می‌کنند، ولی به جنگ رأی می‌دهند؟



طنزآمیز است، اما حقیقت دارد. در امریکا کسانی هستند که معتقدند تنها راه ایمن نگه داشتن کشور همیشه استفاده از نیروی نظامی است. نمی‌توانم با این ایده موافق باشم. اما چگونه می‌شود این را ثابت کرد؟ یک چیز روشن است، و آن این‌که امریکا پایگاه‌های نظامی زیادی برای حفظ «صلح» دارد.

اما چرا کشوری که مدعی دموکراسی است، اینقدر به جنگ و درگیر کردن کشور در نقاط بسیار دور دست در خارج تأکید می‌کند؟ چیزی که ما از اوکراین، فلسطین و حمله اخیر به یمن می‌آموزیم، این است که بسیاری در غرب، به اصطلاح جهان مسیحی، در حال نزدیک کردن صفوف خود از نظر سیاسی و حتی مالی به یکدیگر هستند!

در تلاش برای ایده‌پردازی این مقاله، هر گونه ایده‌ای را که نشان دهد مذهب نقشی در انتخاب رهبران سیاسی صلح‌طلب ندارد، بررسی کردم، و بیشتر اوقات درست عکس آن دستگیرم شد. تعمیم این موضوع واقعاً درست نیست، اما با توجه به این‌که بخش بزرگی از تاریخ امریکا در جنگ با دیگران یا خودش سپری شده است، مشکل می‌شود از این تعمیم دست برداشت.

چرا مسیحیان انجیلی اینقدر طرفدار اسرائیل و ضد فلسطین هستند؟

ممکن است میان هیأت‌ها و اعضای مختلف (مذهبی) نظرات متفاوتی در مورد مسایل جنگ و صلح وجود داشته باشد، و به طور قطع یک گسست بین دعا برای صلح و حمایت از جنگ در میان جوامع مذهبی خاص وجود دارد. پس پیوند با فرایندهای سیاسی چیست، چه کسانی به کدام سیاستمدار رأی می‌دهند؟

پاسخ کوتاهی که جاناتان قطاب، فعال حقوق بشر فلسطینی می‌دهد، این است که صهیونیست‌های مسیحی بر سیاست امریکا در غرب آسیا تأثیر می‌گذارند و همان‌طور که گفتیم، نه به صورت مثبت، بلکه، حتی با دخالت در ائتلاف‌هایی که در خاورمیانه به وجود آوردند، بیش‌تر با شعار «سربازان مسیح به پیش» این کار را انجام می‌دهند.

جاناتان قطاب توضیح می‌دهد که در جهان‌بینی مسیحیان انجیلی، ایجاد اسرائیل در سال ۱۹۴۸، تحقق پیشگویی کتاب مقدس بود و فلسطینی‌ها یا «موجود نیستند» یا «دشمنان خدا هستند، زیرا آن‌ها دشمنان دولت اسرائیل هستند».

خلاصه، باورمندان به این تفسیر از کتاب مقدس اهمیتی به قوانین بین‌المللی یا [تأثیر] فاجعه‌بار جنگ در منطقه نمی‌دهند. آن‌ها می‌گویند «آخرالزمان است. برای بازگشت دوباره عیسی مسیح آماده ایم. این امر فوق‌العاده است.»

با توجه به این‌که حداقل ۳۰ درصد از مردم امریکا، یعنی تقریباً یک نفر از هر سه نفر چنین اعتقاداتی دارند، سیاست امریکا چه تأثیری بر فلسطین و اسرائیل دارد؟ گوئی «دولت اسرائیل منادی بازگشت مسیح است، به نحوی که مسیحیان قرار است از دولت اسرائیل، موسوم به دولت یهود، حمایت کنند، اگر نه مؤمنانی هستند که در خدمت شیطان قرار گرفته اند - و این با «برنامه خدا برای جهان» مطابقت ندارد!

جای خوشبختی است که همه صهیونیست‌های مسیحی اعتقاد یکسانی ندارند، ولی آن‌ها معتقدند که آخرالزمان گردهم‌آئی یهودیان و مسیحیان مؤمن در آخرت است. لذا، آنان مخالفان یهودیان را منحصراً مخالف اسرائیل مدرن تلقی می‌کنند، آنان را دشمن می‌دانند، آنان را کسانی می‌دانند که از نظر اخلاقی اشتباه می‌کنند، یا فریب شیطان را خورده اند، و از کتاب مقدس برای حمایت از ایمان کور خود استفاده می‌کنند و یهودیان را در سمت حق می‌دانند.

علاوه بر این، آنان کسانی را که به فرزندان ابراهیم لعنت می‌فرستند، نفرین می‌کنند و کسانی را که نسل قوم یهود را قرین رحمت قرار می‌دهند، مورد رحمت قرار می‌دهند، بنابراین، آن‌ها نیز «با حمایت از قوم برگزیده خدا رستگار خواهند شد.»

طبعاً، این برخورد چیزی جز افسانه و ایمان کور نیست. با این حال، نیروی محرکه‌ای است برای اقدام‌های سیاسی و جانبداری از درگیری‌ها بر سر سرزمینی که هیچ ارتباطی به ایمان مذهبی در دوران مدرن، کمیته‌های اقدام سیاسی، و منبع دریافت سهم بزرگی از کمک‌های مالی در کارزارهای مبارزاتی، ندارند.

مشکل می‌توان پذیرفت، به ویژه از نقطه نظر یک یهودی، که اگر شما از ناتانیاهو یا اقدامات ارتش اسرائیل حمایت نکنید، آن‌طور که رهبری سیاسی امریکا کورکورانه، در گذشته و حال، مثل بایدن و ترمپ عمل کرده اند، کار شما خدایسندانه نیست.

حداقل مسیحیان انجیلی این طور می‌بینند که برای نزدیکی به خدا و رسیدن به رستگاری، جنگ جاری را باید در قالب جنگی مقدس درک کرد. در مورد سیاستمداران موضوع بقاء مطرح است، زیرا مخالفان اسرائیل، صرف‌نظر از این‌که چه چیزی اخلاقاً درست یا نادرست باشد، انتخاب نمی‌شوند، به همین سادگی.

اتحاد مسیحیان برای اسرائیل

برخی از امریکائی‌ها در همراهی با جریان **اتحاد مسیحیان برای اسرائیل**، و فراخوان آن برای «حمایت فوری از اسرائیل، زیرا اسرائیل در پشت دروازه‌هاش در حال جنگ با بربرهاست»، حمایت از اسرائیل را به یک صنعت تبدیل کرده اند و با فروش اجناسی مثل دستبند (یا تی شرت) حاوی پیام‌های دفاع از اسرائیل، کاسبی می‌کنند. جریان **اتحاد مسیحیان برای اسرائیل**، حامی کمک‌های بی قید و شرط امریکا به اسرائیل است و مدعی است که طرفدار اصلی محافظه‌کاران اسرائیلی است که در برخورد با فلسطینیان فرمول «زمین برای صلح» را رد می‌کند. من نمی‌توانم این داستان را از خودم سرهم بندی کنم... روشن است که حمایت از اسرائیل برای گروه‌های گوناگون نان و آب دارد، این‌که چقدر از این پول‌ها واقعاً برای اسرائیل خرج می‌شود، یک سؤال است.

به عنوان حامیان اسرائیل، باید در مقابل دروغ‌هایی که در مورد اسرائیل گفته می‌شود، بایستیم!

ما باید از جنگجویان اسرائیلی امروزی و شیرهای باستانی یهودا الگو بگیریم. دشمنان اسرائیل ممکن است سعی کنند ما را تکان دهند، اما ما هرگز متأثر نخواهیم شد.

شما می‌توانید در **تارنگاشت** آن‌ها ویدیوهائی ببینید یا مقالاتی از تندروها بخوانید، نظیر این که: **آتش‌بس موقت تنها رنج فلسطینیان و اسرائیلی‌ها را طولانی‌تر می‌کند؛ هواداران حماس در فضاهای دانشگاهی امریکا و کمک مالی به نیروهای مسلح لبنان، یا امریکا به تروریسم کمک مالی می‌کند.**

این عناوین تنها نمونه‌هایی از اطلاعات خشن ضد فلسطینی، ضد عربی، و ضد غرب آسیائی هستند که در سایت مدعیان «صلح‌دوستی» یافت می‌شود، درست در تضاد با آن چیزی است که قرار است رفتار یک مسیحی به آن شباهت داشته باشد.

اینان سابقه‌ای طولانی دارند و شبکه‌های رسانه‌های گوناگون به آنان پوشش می‌دهند، آنچه در یکی از عناوین آمده است، «در یکی از جلسات طرفداران افراطی اسرائیل ... **اتحاد مسیحیان برای اسرائیل** به هیچ چیز کمتر از پیروزی کامل رضایت نمی‌دهد.»

خواندن مطالب **اتحاد مسیحیان برای اسرائیل**، حداقل با تعریفی که درباره خودشان ارائه می‌دهند، جالب است: سازمانی است امریکائی طرفدار اسرائیل که بر بسیج و جلب حمایت مسیحیان از دولت اسرائیل تمرکز دارد. این سازمان در سال ۲۰۰۶ از سوی جان هاگی، رهبر مسیحی انجیلی تأسیس شد.

جان هاگی را دیگران به عنوان «فردی متقلب، کلاهبردار و شکم‌گنده می‌شناسند. او یک دروغگوی فریبکار است که سعادت دروغین انجیل را مؤظه می‌کند تا با مردم‌فریبی میلیون‌ها دالر به سازمان مذهبی‌اش سرازیر شود.» او به نام بنی اسرائیل میلیون‌ها دالر از جماعت دنباله‌روی خود می‌دوشت.

یافتن شیوه آسان

جمع‌آوری پول برای اسرائیل به یک شیوه رایج برای کسب «درآمد آسان» تبدیل شده است، نمونه دیگر آن، **مسیحیان در دفاع از اسرائیل** است. به گزارش روزنامه **تایمز آف اسرائیل**، برخی دستگیری‌ها هم در این ارتباط رخ داده، با این پرسش که این پول‌ها کجا می‌رود. ضرب‌المثلی هست که می‌گوید: «احمق با پولش خیلی زود ناپدید می‌شود» بعضی از گروه‌های مسیحی هم که کورکورانه از اسرائیل حمایت می‌کنند، همین‌طور رفتار کرده اند.

پاسخ به این‌که چرا مسیحیان امریکائی چنین رفتاری دارند، تا حدی در «کتاب مقدس» اسکافیلد نهفته است که در اوایل قرن بیستم و از سوی صهیونیست‌های اولیه (ویرایش و توزیع) و تأمین مالی شد. جالب است که این تفسیر مدرن از

کتاب مقدس کاملاً در تضاد با قدیمی‌ترین سنت مسیحی است، به ویژه کلیسای ارتدکس، که از سوی یهودیانی که از مسیح پیروی کردند تأسیس شد و طبیعتاً خاورمیانه‌ای است.

بخشی از مشکل ناشی از تمایل امریکا به «بازتفسیر» دایمی کتاب مقدس منطبق با «واقعیت مدرن» است، که منجر به پذیرش کتاب مقدس اسکافیلد شد که در سال ۱۹۰۹ با حمایت و تأمین مالی جنبش صهیونیستی اولیه منتشر شد.

این امر باعث شده است که ایده اسرائیل صهیونیستی در میان امریکائی‌ها به عنوان یک چرخش تاریخی با ایده «استثنائگرائی امریکائی» همراه باشد. به علاوه موجب چرخش کامل آرمان‌های مسیحی و تطابق آن با بیانیه بالفور به شیوه‌ای بسیار نگران کننده شد.

پیوند دین و سیاست

مشکل در امریکا این است که نسخه‌های مسیحیت و یهودیت کاملاً با ایده «امریکا» گره خورده است، نه خواست خداوند. مذهب و سیاست نیز شدیداً به هم مرتبط هستند، ولی نه به نحو مناسبی!

فکر می‌کنم دلیل بخشی از آن، این است که یهودیان در دوران کتاب مقدس در این منطقه زندگی می‌کردند، آن‌ها نسبت به این سرزمین ادعای «حق» می‌کنند. با این حال، هم یهودیان و هم فلسطینیان همگی از نسل ابراهیم هستند. اما در این اخوان عشقی وجود ندارد. فلسطینی‌ها زمانی که دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ از سوی سازمان ملل متحد ایجاد شد، در آنجا زندگی می‌کردند.

اگر چه روایتی که در توجیه ایجاد دولت اسرائیل شنیدم این بود که آن‌ها «وطنی» نداشتند، به همین دلیل هیتلر موفق شد و بسیاری از یهودیان را نابود کرد - زیرا آن‌ها جایی برای رفتن نداشتند؛ با این حال، این واقعیت را نادیده می‌گیرند که جوامع یهودی در آن زمان در سراسر دنیا وجود داشته اند، و این‌که یک قوم را از وطن خود بیرون کنید تا آن‌را به دیگری بدهید، حداقل از نظر اخلاقی و قانونی شک‌برانگیز است.

آیا ما صد سال بعد در مورد فلسطینیان نیز همین را خواهیم گفت، که نتانیاهاو توانست دست به کشتار خیل عظیمی از مردم بزند، چون آن‌ها «وطن» نداشتند؟

در باره‌اش فکر کنید.

برگرفته از: نیو ایسترن آوتلوک

منتشر شده در تاریخ: دوم فیبروری ۲۰۲۴